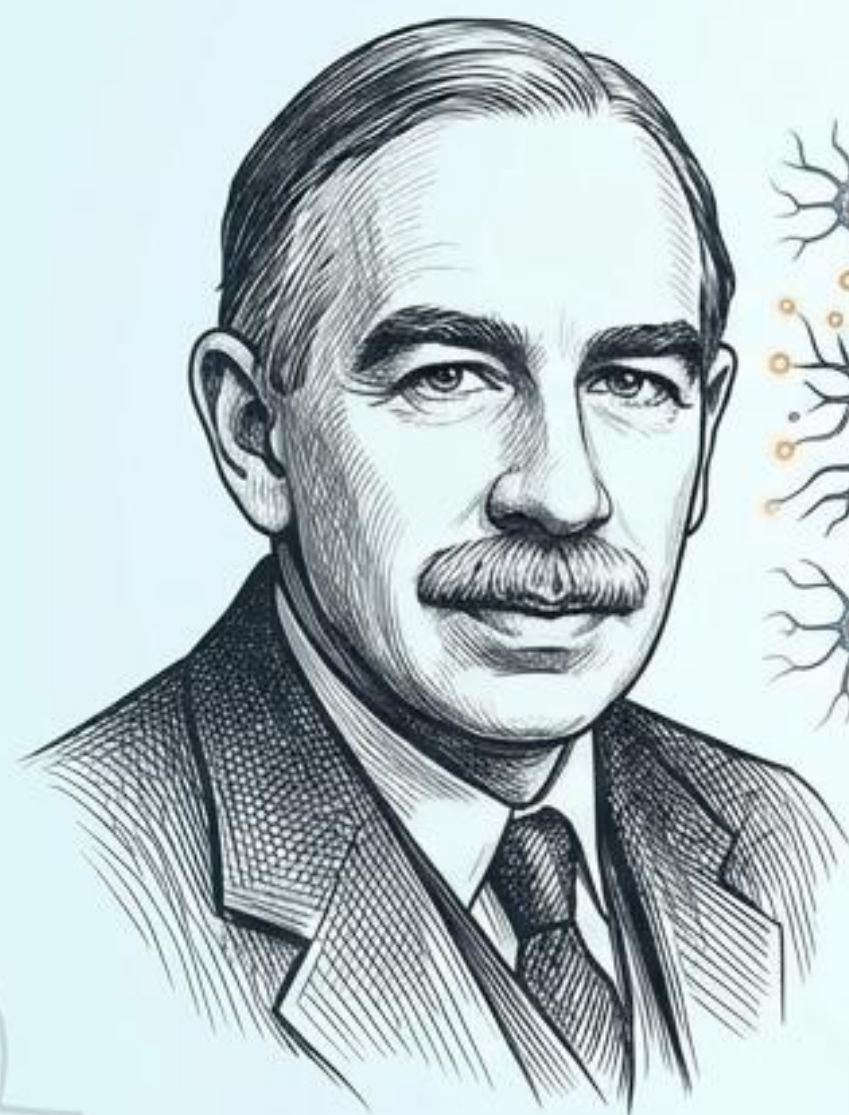




مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

سلسله گزارش‌های تخصصی: بازاریابی

شماره هفتم: جان مینارد کینز و انقلاب در اندیشه اقتصادی



رویکرد اقتصادی برای فعالان اقتصادی و مدیران کسب و کارها

واحد پژوهش و آمار اتاق بازرگانی



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان



نظریه ی کینزی

واحد پژوهش اتاق بازرگانی



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان

تعریف

نظریه‌ی کینزی که جان مینارد کینز بعد از رکود بزرگ دهه‌ی ۱۹۳۰ مطرح کرد، می‌گوید علت اصلی رکود و بیکاری کمبود تقاضای کل در اقتصاد است، یعنی وقتی مردم و شرکت‌ها به‌خاطر ترس از آینده خرج نمی‌کنند، فروش کم می‌شود، کارخانه‌ها تعدیل نیرو می‌کنند و همین بیکاری دوباره تقاضا را کمتر می‌کند و اقتصاد در یک چرخه‌ی معیوب گیر می‌افتد، پس بازار همیشه به‌خودی‌خود به تعادل بر نمی‌گردد و دولت باید با افزایش مخارج عمرانی، کاهش مالیات و سیاست پولی انبساطی پول به اقتصاد تزریق کند تا با اثر ضربی، قدرت خرید، تولید و اشتغال دوباره بالا برود.



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان

اصل تقاضای مؤثر

اصل تقاضای مؤثر قلب نظریه‌ی کینز است و می‌گوید این میزان خرید واقعی مردم است که سطح تولید و اشتغال را مشخص می‌کند، نه ظرفیت تولید کارخانه‌ها.

در شرایط ترس و نااطمینانی، خانوارها و شرکت‌ها با وجود داشتن درآمد، خرج نمی‌کنند و پول نگه می‌دارند و همین کاهش مخارج باعث فروش نرفتن کالاها، انباشت انبار، کاهش تولید و اخراج کارگران می‌شود که خود دوباره درآمد و تقاضا را کمتر می‌کند.

مثلاً اگر خودروسازی هزار خودرو بسازد ولی فقط ششصد دستگاه فروش برود، دوره‌ی بعد تولید را کم و نیرو را تعدیل می‌کند.

این افت اشتغال دوباره درآمد و تقاضا را کمتر می‌کند و اقتصاد در چرخه‌ی رکود گرفتار می‌شود.





اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان

اثر ضریب فزاینده

ضریب فزاینده یعنی خرج اولیه‌ی دولت همان جا متوقف نمی‌شود، بلکه با دست‌به‌دست شدن بین افراد چند برابر تقاضا و در آمد می‌سازد.

مثلاً دولت ۱ میلیارد به پیمانکار می‌دهد، او به کارگر حقوق می‌دهد و کارگر آن را در سوپرمارکت خرج می‌کند. سوپرمارکت‌دار هم با آن پول خرید دیگری انجام می‌دهد و این چرخه همین‌طور ادامه پیدا می‌کند.

قدرت این اثر به میل نهایی به مصرف بستگی دارد؛ هرچه مردم بیشتر خرج کنند، ضریب بزرگ‌تر می‌شود.

به همین دلیل کینز می‌گفت مخارج دولت در رکود، جرقه‌ای است که موتور خاموش اقتصاد را دوباره روشن می‌کند.



تفاوت کلاسیک ها با کینزی ها

1 کلاسیک ها پس انداز را مقدمه‌ی سرمایه‌گذاری و رشد می‌دانستند، در حالی که کینزی‌ها افزایش پس انداز در شرایط رکود را موجب تشدید افت تقاضا و تعمیق بیکاری می‌دانند.

2 کلاسیک‌ها معتقد بودند عرضه تقاضای خود را خلق می‌کند و اقتصاد خودبه‌خود به اشتغال کامل می‌رسد، در حالی که کینزی‌ها تقاضای مؤثر را تعیین‌کننده‌ی سطح تولید و اشتغال می‌دانند و علت رکود را کمبود تقاضا می‌دانند.

3 کلاسیک‌ها بر انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمت‌ها و عدم دخالت دولت تأکید داشتند، اما کینزی‌ها به‌دلیل چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها، دخالت فعال دولت از طریق سیاست مالی و پولی را برای خروج از رکود ضروری می‌دانند.



سایر مفاهیمی که نظریه ی کینزی مطرح می کند:

● **میل نهایی به مصرف :** بخشی از افزایش در آمد که خرج می شود، تعیین کننده ی قدرت ضریب فزاینده است؛ هرچه این میل بیشتر باشد، اثر مخارج دولت بر تولید بزرگ تر خواهد بود.

● **پارادوکس خساست :** اگر همه در زمان رکود بیشتر پس انداز کنند، تقاضای کل کاهش می یابد و در نهایت در آمد و پس انداز همگانی کمتر می شود.

● **بیکاری غیرارادی و چسبندگی دستمزدها :** برخلاف دیدگاه کلاسیک، بیکاری می تواند پایدار باشد، زیرا دستمزدها و قیمت ها به سرعت کاهش نمی یابند تا بازار به تعادل برسد.



otaghphbnd@gmail.com



۰۷۶۳۱۹۹۰۰۳۵_۳۷



<https://bndccim.com>

گردآوری: زهرا رفیعی، واحد پژوهش